

# واکاوی تقابل در برداشت از میدان مشترک گازی ایران و قطر با رویکرد تئوری درام

عادل آذر<sup>۱\*</sup>، سعید نجفی توانا<sup>۲</sup>، حسن محمدی<sup>۳</sup>

۱. استاد گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، تهران
۲. استادیار گروه مدیریت، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، تهران
۳. کارشناس ارشد مدیریت صنعتی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، تهران

پذیرش: ۹۴/۱۲/۱

دریافت: ۹۴/۱۱/۲۱

## چکیده

مدلسازی و تحلیل تعارض از منظر رشته‌های گوناگونی صورت گرفته است. روش‌های مبتنی بر متاگیم از جامع‌ترین مدل‌هایی است که برای مدلسازی و تحلیل تعارض مورد استفاده قرار گرفته است. مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که در میدان مشترک گازی ایران و قطر، وجود منفعت مشترک و عدم وجود تعادل در قدرت طرفین باعث ایجاد تعارض بین دو کشور شده است. همچنین تاکنون مطالعه جدی در زمینه ابعاد دخیل در این تعارض انجام نگرفته است.

در این پژوهش به منظور شناسایی مسائل موجود از تحلیل تقابلی و رویکرد تئوری درام بهره گرفته شده است. بدین منظور براساس اطلاعات جمع‌آوری شده حاصل از مصاحبه‌ها چارچوبی ارائه شده است که عوامل مؤثر در میدان مشترک بین ایران و قطر را نشان می‌دهد. اگرچه یافته‌های پژوهش حاکی از عدم امکان مذاکره در شرایط فعلی می‌باشد، اما وضعیت مثبتی را برای طرف ایرانی در آینده پیش‌بینی کرده است.

این پژوهش یک استراتژی مناسب نیز پیشنهاد می‌کند که علاوه بر مرتفع‌کردن تعارض بین ایران و قطر، تسهیل ایجاد یک همکاری ثمربخش بین دو طرف را نیز در پی دارد.

**واژه‌های کلیدی:** تحقیق در عملیات نرم، روش‌های ساخت‌دهی مسئله، تجزیه و تحلیل تعارض، تئوری درام، تحلیل تقابلی، میدان گازی پارس جنوبی.



## ۱. مقدمه

امروزه بسیاری از صاحبانظران مسائل بین‌المللی تصدیق می‌کنند که یکی از کانون‌های جدی تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، منابع طبیعی مشترک می‌باشد. از این میان اهمیت سوخت‌های هیدروکربوری مشترک بیش از سایرین می‌باشد و براساس آمارهای ارائه شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی، گاز طبیعی از بالاترین رشد تقاضا در میان سایر سوخت‌های هیدروکربوری در دهه‌های آتی برخوردار خواهد بود. از این رو قرن بیست‌ویکم را قرن گاز نامیده‌اند. بنابراین منطقه خلیج فارس (که بیش از ۴۰ درصد از ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد) و از این لحاظ حایز رتبه اول در جهان می‌باشد، اهمیت ژئوپلیتیکی مهمی در تأمین گاز مورد نیاز جهان بر عهده خواهد داشت، زیرا که باعث به‌وجود آمدن رقابت شدیدی میان کشورهای این منطقه برای استخراج هر چه سریع‌تر ذخایر این میادین شده است. با افزایش تقاضای گاز طبیعی نیز، کشورهای منطقه که دارای میادین مشترک می‌باشند، با سرمایه‌گذاری‌های کلان سعی در افزایش تولید خود از این میادین دارند که این امر عامل ایجاد کشمکش‌ها و منازعات در خلیج فارس شده است [۱، صص ۷۰-۸۲]. تداوم این روند و بهره‌برداری بی‌رویه یک جانبه این کشورها به‌مرور زمان باعث از بین رفتن توازن این میادین می‌شود [۲، ص ۱۱۳]. ایران نیز (که بیشترین مرز را در خلیج فارس دارد و میادین مشترک گاز متعددی به صورت مشترک با دیگر کشورهای منطقه دارد) از این قاعده مستثنا نیست و عدم بهره‌برداری و توسعه به موقع این میادین توسط ایران و برداشت زودتر و بیشتر دیگر کشورها از این میادین، علاوه بر متضرر شدن میلیون‌ها دلار در روز برای ایران، مسئله مهاجرت گاز را به وجود خواهد آورد که این پدیده باعث می‌شود کشورهایی که در حال بهره‌برداری یک جانبه هستند، از سهم بیشتری بهره‌مند شوند. در نتیجه رقابت برای بهره‌برداری بیشتر از این میادین و عدم بهره‌برداری همزمان، ارتباطات سیاسی منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۱، ص ۸۲].

از مسائل و مشکلاتی که در حال حاضر گریبانگیر ایران در میادین مشترک می‌باشد و ناشی از عدم همکاری کشورهای همسایه با ایران است، می‌توان به کاهش درآمد حاصل از برداشت از مخازن مشترک در سنجش با کشورهای همسایه، نبود توازن در معاملات سیاسی - اقتصادی مرتبط با حوزه‌های مشترک در برابر کشورهای همسایه، برداشت

حداکثری و بی‌ضابطه کشورهای همسایه از مخازن مشترک و نبود امکان بهره‌برداری مناسب ایران از این حوزه‌ها پس از گذشت مدتی و نیز غیر قابل استحصال شدن بخش چشمگیری از مخزن بر اثر برداشت بی‌ضابطه اشاره کرد. گذشته از این، در سایه تحریم‌های نفتی غرب در مورد ایران و دسترسی نداشتن ایران به فناوری‌های روز در زمینه‌های گوناگون اکتشاف، حفاری و بهره‌برداری از مخازن نفتی در منطقه خلیج فارس و به‌ویژه مخازن مشترک، مشکلاتی به بار خواهد آمد که نادیده‌گرفتن آنها می‌تواند موجب بر هم خوردن توازن نیروها در زمینه‌های مرتبط با مخازن مشترک نفت و گاز در منطقه خلیج فارس به سود کشورهای همسایه شود [۳، صص ۱۶۳-۱۶۴].

با این حال، همکاری در برداشت از میادین مشترک صرفه‌جویی‌های اقتصادی و امنیت مخازن و محیط‌زیست را به همراه دارد. یکی از مسائل مهم و مورد توجه در بهره‌برداری از مخازن نیز، مدیریت صیانتی آنهاست که با هدف کاهش خطر پذیری، افزایش تولید نفت و گاز، افزایش بازیافت و کاهش هزینه‌های تولید صورت می‌پذیرد. در این راستا شناخت مخازن و اثبات مدل و عملکرد آنها براساس روش‌های علمی، از مسائل بسیار مهم است [۲، صص ۱۱۳-۱۱۴].

مسائل تئوری درام<sup>۱</sup> همچون مسائل نظریه‌بازی در محیط تعارض قرار دارند. از آنجا که تصمیم به اتخاذ استراتژی در مورد میدان مشترک ایران و قطر مبتنی بر رفتار رقابتی است، نظریه‌بازی برای چنین رفتاری بسیار مناسب است. ریشه تئوری درام نیز به متاگیم برمی‌گردد که یکی از انواع بازی‌های مطرح شده در تئوری بازی است. تئوری درام مدعی است که مکملی برای تئوری بازی است و نه جایگزین آن. تئوری درام اذعان دارد که در واقعیت و به هنگام تعارض، عقلانیت محض وجود نخواهد داشت و احساسات نیز در مسیر تصمیم‌گیری نقش خواهند داشت. از طرف دیگر همچون دیگر رویکردهای تحقیق در عملیات نرم سعی دارد تا صورت مسائل به‌خوبی شناسایی و مدل شوند و نیز برای مواجهه با عدم اطمینان حالت‌های مختلف آینده و سناریوهای پیش رو مطالعه شوند. بنابراین از قالب‌بندی مسئله به‌طوری که دائماً در حال صرفنظر کردن از بخش‌های مختلف و دور شدن از واقعیت‌ها باشد، اجتناب می‌کند. نتیجه این مفروضات این است که به جای بهینه‌سازی (همچون تئوری بازی)، به اکتشاف، یادگیری و الزام می‌پردازد و از این طریق امکان بیان طیف وسیعی از



دیدگاه‌های متمایز را فراهم می‌نماید که اهداف چندگانه و متناقض را بدون حذف و یا تقلیل آنها به معیارهای مالی در برمی‌گیرد [۴، صص ۱۰-۴]. در پژوهش حاضر نیز به دلیل عدم مطالعه جدی و ابهامات در مورد ابعاد مسئله، وجود زینفعان گسترده و گزینه‌ها، ترجیحات و سناریوهای متعدد که کمی‌سازی آن را بسیار دشوار و دور از واقعیت می‌سازد، سعی شده است تا با به‌کارگیری تئوری درام علاوه بر معرفی این رویکرد به اثبات توانمندی‌های آن پرداخته شود.

## ۲. مدلسازی و حل تعارض<sup>۲</sup>

مدلسازی و حل تعارض یکی از حوزه‌های مورد علاقه پژوهشگران است که بسیاری از رشته‌ها به آن پرداخته و رویکردهای مختلفی در آن مطرح است. تئوری درام به‌عنوان یکی از این روشهای مدلسازی و حل تعارض مطرح می‌باشد که با به‌کارگیری ادبیات تئوری بازی به ساخت‌دهی مسئله و شناسایی معضلات پرداخته و سرانجام راهکارهای کلی برای خروج از حالت تقابل و معضلات و دستیابی به شرایط همکاری ارائه می‌دهد [۵، ص ۷۳۴]. رویکردهای رسمی مدلسازی و حل تعارض شامل فنون کلاسیک تئوری بازی‌ها، روش‌های بر مبنای متاگیم و روش‌های دیگری چون تکنیک‌های تقسیم عادلانه<sup>۳</sup>، روش‌های رأی‌گیری<sup>۴</sup> و روش‌لوژی کیو<sup>۵</sup> در شکل ذیل با توجه به چهار معیار با هم مقایسه شده‌اند. از این بین، تجزیه و تحلیل متاگیم نخستین بار توسط هاوارد در ۱۹۷۱ ارائه شد و بعدها توسط فراسر<sup>۶</sup> و هایپل<sup>۷</sup> با عنوان تجزیه و تحلیل تعارض<sup>۸</sup> توسعه و بهبود یافت. بعد از آن نیز تجزیه و تحلیل تعارض توسط کیلگور<sup>۹</sup> و همکاران و همچنین فنگ<sup>۱۰</sup> و دیگران توسعه قابل توجهی داشت و آنها توانستند روش شناسی مدل گراف برای حل تضاد<sup>۱۱</sup> ارائه دهند که یک تئوری بر مبنای گراف است. یکی دیگر از تکنیک‌های مرتبط با تجزیه و تحلیل متاگیم، تئوری درام است که در آن استعاره<sup>۱۲</sup> از یک درام به کار گرفته شده است تا یک تعارض را نشان دهد همچنان که از یک معضل<sup>۱۳</sup> به دیگری تکامل پیدا می‌کند تا به راه‌حل دست پیدا کند. تفاوت عمده و جداکننده روش‌های بر مبنای متاگیم از دیگر روش‌ها، قابلیت آنها برای نشان‌دادن اولویت‌های نسبی<sup>۱۴</sup>، تصمیم به همکاری<sup>۱۵</sup>، و انعطاف در جهت حرکت<sup>۱۶</sup> است. همان طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، فنون کلاسیک تئوری بازی‌ها بر مبنای فرض اولویت‌های

کاردینال<sup>۱۷</sup> همچون مقدار مطلوبیت<sup>۱۸</sup> استوار هستند تا اولویت‌ها را به تصمیم‌گیران برای حالات یا سناریوهایی<sup>۱۹</sup> که می‌توانند در تعارض رخ بدهند، نشان دهند. اما روش‌های مبتنی بر متاگیم می‌توانند هم با اولویت‌های کاردینال و هم اولویت‌های نسبی به کار گرفته شوند [۶، ص ۳۱۸].

جدول ۱ روش‌لوژی‌های رسمی برای مدل‌کردن و حل تعارض [۶، ص ۳۱۹]

انعطاف در جهت حرکت	تصمیم به همکاری	اولویت‌های کاردینال	اولویت‌های نسبی	روش‌لوژی‌های رسمی
				تکنیک‌های کلاسیک تئوری بازی‌ها
		✓		شکل نرمال
		✓		شکل گسترده
	✓	✓		شکل همکاری
				روش‌های مبتنی بر متاگیم
✓	✓	✓	✓	تجزیه و تحلیل متاگیم
✓	✓	✓	✓	تجزیه و تحلیل تعارض
✓	✓	✓	✓	مدل گراف برای حل تضاد
✓	✓	✓	✓	تئوری درام
				دیگر رویکردها
		✓		فنون تقسیم عادلانه
		✓		روش‌های رأی‌گیری
		✓		روش‌لوژی کیو



### ۳. تحقيق در عمليات نرم<sup>۲۰</sup> و روش‌هاى ساختدهى مسئله<sup>۲۱</sup>

در نيم قرن اخير، روش‌ها و روش‌شناسى‌هاى جديدى براى رويارويى با مسائل آشفته<sup>۲۲</sup> يا مسائلى كه بسيار پيچيده و ساختار نايافته هستند و حل آنها بسيار دشوار و يا غيرقابل ممكن است<sup>۲۳</sup>، توسعه پيدا كرده است. اين روش‌ها و روش‌شناسى‌ها، ساختاريافته و دقيق، اما غير رياضى هستند. مجموعه اين روش‌ها و روش‌شناسى‌ها با عنوان تحقيق در عمليات نرم، سيستم‌هاى نرم<sup>۲۴</sup> يا روش‌هاى ساختدهى مسئله شناخته مى‌شوند [۵، ص ۷۲۹].

مشخصه‌هاى مسائل ساختار نايافته در روش‌هاى ساختدهى مسئله بازيگران چندگانه، ديده‌گاه‌هاى چندگانه، منافع متناقض و يا متضاد، عوامل نامشهود و عدم اطمينان‌هاى كليدى است [۷، ص ۶۴۵].

مينگرز در مقاله خود روش‌هاى تئورى درام، متاگيم<sup>۲۵</sup> و هايپريگيم<sup>۲۶</sup> را به‌عنوان تئورى بازي‌هاى نرم<sup>۲۷</sup> و زيرشاخه‌اى از تحقيق در عمليات نرم و روش‌هاى ساختدهى مسئله عنوان كرده است كه در وضعيت‌هاى رقابت<sup>۲۸</sup> و تعارض<sup>۲۹</sup> استفاده مى‌شوند. همچنين زيربنائى تئورى اين روش‌ها را تئورى بازي‌ها<sup>۳۰</sup> معرفى كرده است [۵، ص ۷۳۳].

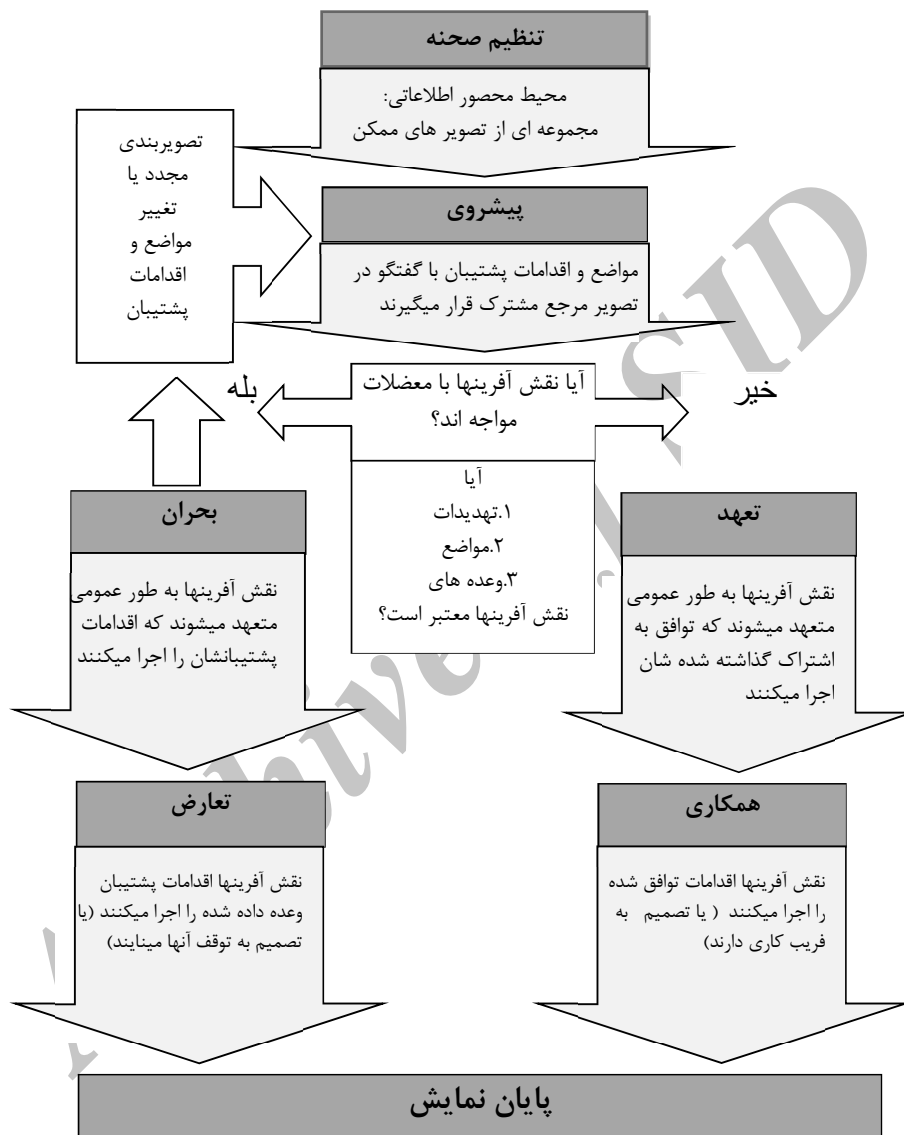
### ۴. رويکرد تئورى درام

تئورى درام و تحليل تقابلى، شيوه‌اى از تجزيه و تحليل هستند كه در آن گروه‌هاى مختلف قصد رسيدن به مواضع مشتركى دارند. گروه‌هاى كه داراى منافع مختلف هستند و سعى دارند در راه رسيدن به آرمان‌هاى خود از تغييرات و اثرگذارى بر رخداده‌ها استقبال نمايند. ممكن است اين گروه‌ها كاملاً مخالف يكديگر نباشند و قصد آنها تلاش براى رسيدن به نتايج مورد نظر خود باشد. اما در بيشتر اوقات شرايط آنها در تضاد با يكديگر قرار مى‌گيرد [۴، ص ۲۱۵]. تئورى درام يك تئورى در مورد اين است كه افراد چگونه تعاملات خود را با يكديگر مديريت مى‌كنند [۸، ص ۶۱۱]. در اين تعاملات افراد با يكديگر مذاكره<sup>۳۱</sup> خواهند كرد. مذاكره فرايندى است در ميان عواملى كه به دنبال منافع خود هستند و با هدف رسيدن به يك توافق كه اولويت‌ها<sup>۳۲</sup> و محدوديت‌هاى طرفين مورد توجه را برآورده كند. ويژگى‌هاى فرايند مذاكره عبارتند از ۱. عدم تمرکز، ۲. ارتباط<sup>۳۳</sup> ميان طرفين درگير<sup>۳۴</sup>، ۳. اطلاعات ناقص، ۴.

اولویت‌های متناقض احتمالی بر سر اقدام‌ها و پیامدها<sup>۳۰</sup>. علاوه بر این، فرایند مذاکره (بجز شکل ساده‌شده آن) ساختاریافتگی خوبی ندارد، به این معنا که قواعد تعریف‌شده مناسبی برای ایجاد توالی قانونی اقدامات ارتباطی وجود ندارد، برای مثال پیشنهاد طرف الف ممکن است درخواست اطلاعات طرف ب را به‌منظور شفاف‌تر شدن شرایط پیشنهاد مورد نظر به دنبال داشته باشد یا به همراه استدلالی مبنی بر عادلانه‌نبودن پیشنهاد ارائه‌شده به طرف الف منتقل شود و یا اینکه رد شود و یا پیشنهاد متقابلی ارائه شود. ویژگی‌های مذاکره آن را کاملاً متمایز از دیگر اشکال تعاملات<sup>۳۱</sup> می‌سازد که در آن طرفین به دنبال منافع خود می‌باشند [۹، ص ۴۳۷].

تئوری درام سعی می‌کند برای حل معضلات یک سری راه‌حل کلی ارائه دهد [۴، ص ۲۴۳]. این تئوری یک مدل اپیزود مینا پیشنهاد می‌دهد که به موجب آن وضعیت‌ها آشکار می‌شوند [۱۰، ص ۲۲۶]. به سخن دیگر، یک درام در قالب مجموعه‌ای از اپیزودها نمود پیدا می‌کند که در آن بعضی نقش‌آفرین‌ها به تعامل می‌پردازند. اقدام‌های نقش‌آفرین‌ها نه تنها پیامدهای هر اپیزود خاص را بلکه آنچه در اپیزود بعد رخ می‌دهد، تحت تأثیر قرار می‌دهد [۱۱، ص ۴۶۸]. نسخه‌های اولیه این مدل به‌منظور مشخص‌ساختن تمایز بین وضعیت‌های تعارض‌گونه و همکاری‌به‌بود یافته بودند [۱۰، ص ۲۲۶].

مدل عمومی حل درام‌گونه در شکل ۱ آمده است. توجه شود در حالی که این مراحل در مدل، از نظر ریاضی و مفهومی مناسب هستند ولی با وجود منطقی بودن در عمل لازم نیست به این ترتیب باشند. به‌ویژه از لحاظ ترتیب زمانی، نیازی نیست ارتباط مراحل به صورت مذکور باشد، هرچند منطق پشت آنها تأثیر معینی را نشان می‌دهد [۱۲، ص ۱۹۵].



شکل ۱ مدل عمومی و تئوریک درام [۸، ص ۶۰۵]



## ۵. معضلات

نسخه اول تئوری درام از شش معضل تشکیل شده است. چهار معضل متقاعدسازی<sup>۳۷</sup>، عدم پذیرش<sup>۳۸</sup>، تهدید<sup>۳۹</sup> و موضع‌گیری<sup>۴۰</sup> معضلات تقابلی<sup>۴۱</sup> هستند و دو معضل اعتماد<sup>۴۲</sup> و همکاری<sup>۴۳</sup> از معضلات همکارانه<sup>۴۴</sup> به شمار می‌آیند [۳۰۹، ص ۱۳].

در تئوری درام فرض بر این است که از میان برداشتن معضلات وقتی رخ می‌دهد که مواضع و مقاصد طی ارتباطات قبل از نمایش و قبل از تصمیم‌گیری مورد گفتگو قرار می‌گیرند [۳۰۹، ص ۱۳].

دو معضل همکاری و اعتماد، پیرامون اعتبار تعهدات و وعده‌های داده‌شده از هر طرف شکل می‌گیرد. سه معضل متقاعدسازی، عدم پذیرش و تهدید براساس انتخابی خواهد بود که هریک از طرفین می‌توانند بدون در نظر گرفتن خواسته‌های طرف مقابل داشته باشند. این انتخاب‌ها همگی در سناریوی تهدیدآمیز نشان داده می‌شود [۴، ص ۲۳۵]. معضل موضع‌گیری نیز مربوط به موضع طرفین می‌باشد نه به سناریوی تهدیدآمیز [۴، ص ۲۳۸].

در ادامه تعاریفی از این شش معضل آمده است. در همه موارد الف فردی است که با معضل مواجه است و راهکارهایی کلی برای مقابله با معضلات به وی پیشنهاد داده شده است. همچنین بهبود بالقوه حرکتی است که در آینده به امید بهبود وضعیت و کسب جایگاه مناسب برای هر طرف می‌تواند صورت پذیرد ولی بهبود بالفعل تغییری است که در وضعیت هر طرف ایجاد شده است. مرز بین بهبود بالقوه و بالفعل زمان تحقق آن است [۴، ص ۲۳۳].

### ۵-۱- معضل همکاری

طرف الف بهبود بالقوه‌ای نسبت به جایگاه قبلی خود پیدا می‌کند.

الف با معضل همکاری مواجه است اگر او یک بهبود از موضعش داشته باشد. مشکل الف این است که آیا ب به او اعتماد خواهد کرد تا قسمتی از موضع خود را اجرایی کند. اگر الف تعهد نماید که بهبودش را اتخاذ نخواهد کرد، به‌طور منطقی، ب به عدم صداقت الف مشکوک می‌شود. (با این فرض که تصویر به اشتراک گذاشته شده است، الف همچنین می‌داند که ب برای بی‌اعتمادی به او دلیل دارد). این مشکل در قلب معمای زندانی وجود دارد که هر تلاشی برای رسیدن به یک موضع مشترک همکاری دوجانبه را تضعیف می‌کند [۱۴، ص ۱۲]. فرض



کنید الف می‌تواند از موضع فعلی خود به یک بهبودی دست پیدا کند (آینده قابل دستیابی). الف چگونه می‌تواند ب را متقاعد کند که این بهبود را اتخاذ نخواهد کرد اگر به موضع خود دست یابد [۱۵، ص ۴۰۸]؛ یعنی الف انگیزه‌ای برای ترک موضعش دارد [۱۶].

### ۲-۵- معضل اعتماد

طرف ب با بهبود بالقوه جایگاه نسبت به طرف الف مواجه خواهد شد. اگر الف حتی اگر موضعش پذیرفته شود و ب نسبت به وعده‌های خود متعهد شده باشد، همچنان نتواند اعتماد کند که ب وعده‌هایش را عملی می‌کند یا خیر با این معضل مواجه است [۱۳، ص ۳۱۰]، به عبارت دیگر وقتی الف به قصد بیان شده ب که قسمتی از موضع الف می‌باشد، شک دارد. الف دوست دارد که به ب اعتماد کند اما نمی‌تواند [۱۰، ص ۲۴۵]. چرا که ب انگیزه‌ای برای عدول کردن از موضع الف دارد؛ یعنی ب آینده قابل دستیابی و جایگزین را به موضع الف ترجیح می‌دهد [۱۶]، به عبارت دیگر، الف با این معضل مواجه است اگر ب بتواند با فاصله گرفتن از موضع الف به بهبود دست پیدا کند. موضع الف به واسطه دانشش به اینکه حتی اگر ب آن را بپذیرد، ب می‌تواند با انکار کردن به نتایج بهتری دست پیدا کند، تضعیف شده است، برای مثال در معضل زندانیان، اگر الف پیشنهاد همکاری دو جانبه را دهد، اولویت او، او را با معضل همکاری مواجه می‌کند، در حالی که ب با معضل اعتماد مواجه می‌شود [۱۴، ص ۱۲].

### ۳-۵- معضل متقاعدسازی

طرف ب جایگاه تهدید آمیز طرف الف را ترجیح می‌دهد. وقتی الف نمی‌تواند ب را متقاعد کند تا موضع او را بپذیرد و به این باور می‌رسد که ب آینده تهدید آمیز را به موضع او ترجیح می‌دهد، وی با این معضل مواجه شده است [۱۳، ص ۳۱۰]. در واقع موضع پشتیبان الف به اندازه کافی برای ب ناخوشایند نیست تا ب را تسلیم خود کند. در نتیجه الف قادر به اتخاذ اهرم فشار برای موضع خود نمی‌باشد [۱۶]. اینجاست که تهدیدات چندان خسارتی به پیکره طرف ب وارد نخواهد کرد و وی را ملزم به پذیرش موضع الف نخواهد کرد [۴، ص ۲۳۸].

#### ۴-۵- معضل عدم پذیرش

جایگاه ب برای تهدیدشدن به وسیله الف مناسب است.

وقتی ب بر این باور باشد که الف پذیرش موضع او را به آینده تهدیدآمیز ترجیح می‌دهد، الف با این معضل مواجه می‌شود. در واقع ب، عدم پذیرش موضعش از طرف الف را معتبر به شمار نمی‌آورد [۱۲، ص ۳۱۰]. در این حالت آینده تهدیدآمیز به اندازه کافی برای الف ناخوشایند است تا او را وادار به پذیرش موضع ب کند. در اینجا موضع الف برای تهدیدشدن به وسیله ب مناسب است و الف موضع ب را به موضع پشتیبان و آینده تهدیدآمیز ترجیح می‌دهد. در این صورت الف چگونه می‌تواند ب را متقاعد کند که مهیای اجرای موضع پشتیبانش است؟ به عبارت دیگر چگونه می‌تواند موضع پشتیبانش را اعتبارسازی کند؟ [۱۶]. در بازی ترسوها<sup>۵</sup> اگر هر کدام موضعی را اتخاذ کند که طرف دیگر باید کنار بکشد، این معضل برای دو طرف رخ می‌دهد. در اینجا ترجیح‌دادن موضع دیگری به آینده تهدیدآمیز (وقوع تصادف)، اعتبارسازی برای موضع پشتیبان دیگری را با دشواری همراه می‌سازد [۱۴، ص ۱۲]. در اینجا هر طرف می‌خواهد دفع افسد به فاسد نماید؛ یعنی ترجیح می‌دهد کنار بکشد و اجازه دهد طرف مقابل پیروز شود تا اینکه تصادف رخ دهد؛ اما مشکل اساسی این است که هر طرف می‌خواهد طرف مقابل را وادار به کنارکشیدن و تسلیم نماید [۴، صص ۲۲۳-۲۳۶].

#### ۵- معضل تهدید

طرف الف با بهبود بالقوه، در صورت بروز وضعیتی تهدیدآمیز در آینده رویه‌رو خواهد شد. وقتی تهدید الف (مثلاً مقاصد بیان شده او در حالت تقابل)، به اندازه کافی معتبر نباشد، این معضل رخ می‌دهد [۱۳، ص ۳۰۹]. در واقع وقتی الف طبق ارزش‌گذاری‌های خودش از طریق اقدام‌های یک‌جانبه بهتر از حالت آینده تهدیدآمیز می‌تواند پیش رود، چرا باید ب اقدام‌های پشتیبان الف را معتبر بداند در صورتی که الف به‌طور قطع راه فرار از آینده تهدیدآمیز را ترجیح می‌دهد [۱۵، ص ۴۰۹]. در این حالت الف یک انگیزه برای ترک موضع پشتیبان (یا تهدید) ش دارد. او یک آینده قابل دستیابی جایگزین را به آینده تهدیدآمیز ترجیح می‌دهد. البته تفاوت این معضل با معضل عدم پذیرش در این است که در اینجا آینده جایگزین ترجیح داده شده، موضع ب نیست [۱۶].



اگر مثل بازی جوجه ترسو، بهبود بالقوه الف در گرو پذیرش موضع ب باشد، این امر او را با معضل عدم پذیرش روبه‌رو می‌کند. معضل تهدید نیز وقتی شکل می‌گیرد که الف برای بهبود بالقوه به سایر سناریوهایی که در موضع او نیست، سوق داده می‌شود. ممکن است بسته به موقعیت‌های مختلف، دو معضل عدم پذیرش و تهدید به صورت همزمان اتفاق بیفتد و هر دوی آنها به سست‌شدن موضع پشتیبان الف منجر می‌شوند؛ با این حال این دو نقش‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند. یک معضل عدم پذیرش به این معنا است که الف در میان مذاکرات و سوسه خواهد شد موضع ب را قبول کند؛ اما یک معضل تهدید به این معنا است که اگر با شکست مذاکرات الف ناچار به روکردن موضع پشتیبان خود باشد، وی ترجیح می‌دهد چنین کاری نکند. الف ممکن است به جای قبول موضع ب کاری دیگر در پیش بگیرد و بنابراین ب به این نتیجه می‌رسد که موضع پشتیبانی که الف گفته بود، احتمالاً فقط یک بلوف بوده است و درواقع چنین قصدی نداشته است [۱۷، صص ۲۷۴-۲۷۵].

#### ۵-۶- معضل موضع‌گیری

طرف الف موقعیت طرف ب را نسبت به موقعیت خود برتر بداند. وقتی الف، موضع ب را به موضع خودش ترجیح دهد، با این معضل مواجه است [۱۳، ص ۳۱۰]. در این حالت، مطلوبیت موضع ب حداقل برابر با موضع خودش می‌باشد [۱۴، ص ۱۲]. این خواسته غیرمنطقی به نظر می‌رسد که الف بخواهد خود را در موقعیت ب قرار دهد. در اولین نگاه ممکن است کمی عجیب به نظر برسد که چرا الف طرف مقابل را تحت فشار قرار نمی‌دهد؟ الف حتماً برای این کار توجیحات خودش را دارد، برای مثال، شاید الف فکر می‌کند موقعیت ب چندان پایدار نیست و نیازی به اعمال فشار برای بر هم زدن تعادل آن نیست [۴، صص ۲۳۶-۲۳۹]. چرا الف به‌سادگی با ب همراه نمی‌شود؟ دلایلی وجود دارد - برای مثال اگر الف عقیده داشته باشد، موضع ب ریاکارانه است یا غیر قابل دستیابی است. درواقع الف و ب ممکن است از یک موضع مشترک آغاز کرده باشند ولی در بین مذاکرات، الف هیچ راهی برای غلبه بر معضلاتی که از نقش‌آفرین‌های دیگر بر او تحمیل شده، نمی‌یابد و به دنبال جایگزین واقع بینانه‌تری است. احساس غالبی که از این معضل بروز می‌کند، رنجش است. الف به دلیل ترک موضع اصلی خود (که هنوز آن را ترجیح می‌دهد) احساس افسوس می‌کند و متفکر است

که مجبور شده عقب‌نشینی در مقابل ب را توجیه کند [۱۷، ص ۲۷۶]. الف حتی ممکن است از اینکه وارد مذاکرات شده است، پشیمان شود زیرا خود را به نحوی بازنده مذاکره می‌داند. اگر وارد مذاکره نمی‌شد لاقلاً اعتبار خود را از دست نمی‌داد [۴، صص ۲۳۶-۲۳۹].

ناکارآمدی موضع دلیل قابل درکی برای ورود به این معضل است. در واقع الف مجبور شده است به دلیل ناکارآمدی موضع قبلی آن را رها کند [۱۷، ص ۲۷۶].

## ۶. پیشینه پژوهش

در رابطه با تقابل بین ایران و قطر در پژوهش‌های پیشین، میدان مشترک گازی ایران و قطر تنها از جهت حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر سعی شده است تا با استفاده از تئوری درام و تحلیل تقابلی، رویکردی همه‌جانبه در بررسی این میدان مشترک اتخاذ شود.

احمد کشفی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان "توسعه اشتراکی میدان گازی پارس جنوبی توسط ایران و قطر با الگوبرداری از توافقنامه توسعه مشترک تایلند و مالزی" به راهنمایی جواد کاشانی، توسعه مشترک را مؤثرترین و کارآمدترین روش برای حل مسائل حقوق بین‌الملل بین ایران و قطر می‌داند.

علی اکبری (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان "نقش تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران در توسعه و بهره‌برداری از فازهای گاز پارس جنوبی (۱۳۷۶-۱۳۹۰)" پیامدهای تحریم‌های انجام شده علیه جمهوری اسلامی ایران در توسعه و بهره‌برداری از فازهای گاز پارس جنوبی در ابعاد مختلف از جمله جذب منابع مالی بین‌المللی، مشارکت شرکت‌های خارجی، جذب فناوری و فناوری، افزایش زمان و هزینه مشارکت را مورد بررسی قرار داده است.

براینت در مقاله خود به تحلیل مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ پرداخته است. وی در میز گزینه ابتدایی، گزینه توقف غنی‌سازی هسته‌ای از سوی ایران و گزینه تحمیل تحریم‌های بیشتر را از سوی غرب مطرح کرده است و موضع هر دو طرف را به همراه آینده تهدیدآمیز نشان داده است. سپس به این نتیجه رسیده است که آمریکا با دو معضل و ایران بدون هیچ معضلی است. سپس روش برخورد غرب و ایران در حالت فعلی و همچنین روش مؤثر برخورد غرب به منظور حذف دو معضل آن را بیان کرده است. از راه‌حل‌های پیشنهادی براینت این بوده است با



اینکه پیشنهاد مذاکره اوپاما در قالب مذاکرات ایران با ۱+۵ گویای موضعی نرم از طرف غرب است ولی همراه با این گفتگوها، غرب باید قاطع و مستدل اظهار کند که اگر پیشرفتی در مذاکرات تا آخر سال رخ ندهد، تحریم‌های بیشتری را اتخاذ خواهد کرد تا تردید ایجاد شده ایران در خصوص تحمیل تحریم‌ها از جانب غرب را از بین ببرد. راه‌حل پیشنهادی دیگر این است که غرب باید پذیرش موضع خود را برای ایران جذاب کند، برای مثال با اعلام حمایت قوی از فعالیت‌های هسته‌ای غیر نظامی ایران و یا کاری کند که استراتژی فعلی غنی‌سازی ایران جذابیتش کمتر شود؛ یعنی به‌طور مثال با تشویق اسرائیل به گرایش‌های جنگ‌طلبانه [۱۸].

نایجل هاوارد در ۱۹۸۸، دو نمونه فرایند تجزیه و تحلیل عاشق‌شدن و گروگان‌گیری تروریست‌ها را مورد بحث قرار داده است تا نشان دهد تحلیل متاگیم<sup>۶</sup> به‌خوبی قادر به تجزیه و تحلیل موقعیت‌های شدید احساسی، رفتار غیر منطقی و ترجیحات در حال تغییر و همراه با تردید است [۱۹].

جیم برایننت (۲۰۱۱) در مقاله‌ای به پیگیری تعارض خاورمیانه با استفاده از تئوری درام پرداخته و روابط بین اسرائیل و فلسطین را با استفاده از سلسله مدل‌های تئوری درام تجزیه و تحلیل کرده است [۲۰].

جیسون لیوای (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و امنیت بین‌الملل، به مدلسازی مذاکرات هسته‌ای ایران و جهان قدرت پرداخته است و نشان داده است که چگونه می‌توان ترویج منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و حل و فصل استراتژیک تعارض را از طریق تنظیم استراتژی و استخراج سیاست امنیتی تحول‌آفرین، به ارمغان آورد [۲۱].

جیسون لیوای و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان پیشرفت‌ها در تئوری درام به منظور مدیریت حوادث و فجایع جهانی، به مقابله با تغییرات جهانی آب و هوا و فاجعه زیست‌محیطی پرداخته است و با استفاده از تئوری درام توسعه‌یافته (تئوری درام نسخه دوم)، به تجزیه و تحلیل به منظور کاهش یا تثبیت میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای پرداخته است [۲۳].

عادل آذر و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ را به‌عنوان یک مورد کاربردی براساس تئوری درام بررسی نموده است. وی در طراحی میزگزینه برای هریک از سه بازیگر اصلی و تأثیرگذار در مذاکرات (ایران، روسیه و غرب) گزینه‌هایی را مطرح و نخست نحوه موضع‌گیری سه بازیگر در مواجهه با گزینه‌های مذکور برای رسیدن به آینده

تهدیدآمیز و بعد از آن نحوه موضع‌گیری آنها برای رسیدن به توافق را ترسیم نموده است. در نهایت مهم‌ترین معضلی را که مانع از توافق می‌شود، معضل اعتماد عنوان نموده است [۲۲].

### ۷. روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی است. افزون بر هدف، از لحاظ نوع داده‌ها، این پژوهش یک تحقیق کیفی<sup>۴۷</sup> به شمار می‌آید؛ زیرا که یافته‌های آن از صافی فهم و تفسیر پژوهشگر پس از مصاحبه با خبرگان و بررسی اسناد و مدارک می‌گذرد. ماهیت پژوهش حاضر نیز اکتشافی است.

جامعه آماری تحقیق حاضر، تمامی خبرگان و کارشناسانی است که در حوزه دیپلماسی انرژی و مسائل مربوط به میادین مشترک گازی ایران صاحب نظر می‌باشند. در مجموع نظرات هفت خبره جمع‌آوری شد که نظرات دو نفر از خبرگانی که در شرکت نفت و گاز پارس فعالیت داشتند، حذف شد. علت حذف نیز غالب بودن جنبه فنی و اجرایی نظرات آنها بود. در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه با خبرگان، بررسی اسناد و مدارک و مطالعه کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

### ۸. یافته‌های پژوهش

تئوری درام اساساً در رابطه با این است که بازیگران پیش از شرکت در یک بازی آن را چگونه تعریف می‌کنند. پس از تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه با ۵ خبره پژوهش حاضر، عللی که منجر به عدم شکل‌گیری مذاکره بین ایران و قطر به‌منظور همکاری در میدان مشترک گازی شده است، استنتاج شد که در جدول ۲ آورده شده است.

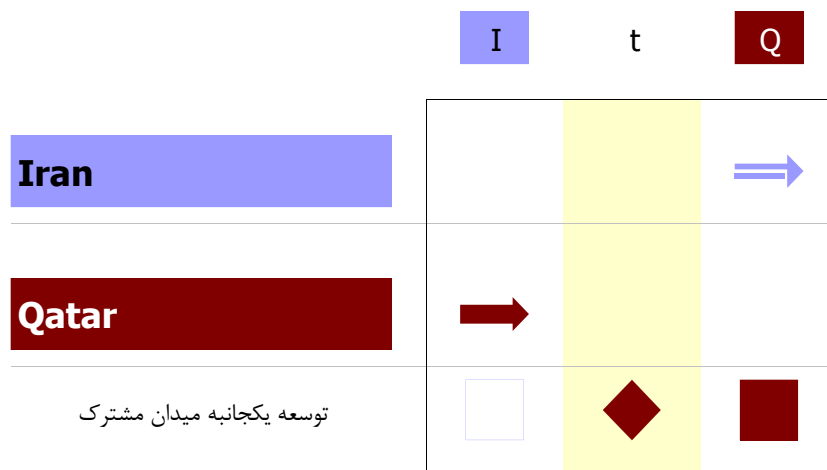


جدول ۲ ریشه‌های تقابل ایران و قطر از نظر خبرگان

گروه	علل عدم شکل‌گیری مذاکره برای همکاری در شرایط فعلی از نظر خبرگان	E <sub>1</sub>	E <sub>2</sub>	E <sub>3</sub>	E <sub>4</sub>	E <sub>5</sub>
تحریم	تفاوت دو کشور از نظر سطح دسترسی به فناوری‌های برتر و جدید	*	*	*	*	*
	تفاوت دو کشور از نظر سطح دسترسی به منابع مالی	*	*	*	*	*
	عدم تجربه ایران در مدیریت کلان پروژه‌های عظیم گازی	*	*	*	*	*
ضعف داخلی	عدم پی‌بردن ایران به مشترک بودن میدان تا حدود یک دهه	*	*	*	*	*
	ضعف مدیریت داخلی ایران و عدم ثبات قوانین	*	*	*	*	*
	نقص حقوقی موافقنامه تحدید حدود ایران و قطر و عدم توجه لازم به میدان مشترک	*	*	*	*	*
ضعف حقوق بین‌الملل	عدم وجود قاعده یا قانون مهارکننده بین‌المللی در میادین مشترک	*	*	*	*	*
منافع قطر	فراهم‌شدن امکان سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی برای قطر به منظور توسعه داخلی و ارتقای جایگاه خود در جهان	*	*	*	*	*
	تمایل قطر به بالابردن قدرت سیاسی خود در منطقه و کنترل تحولات سیاسی سلفی‌گری در منطقه	*	*	*	*	*

در شرایط مذکور ایران با دو معضل متقاعدسازی و عدم پذیرش مواجه است و قطر هیچ‌گونه معضلی ندارد، به عبارت دیگر ایران باور دارد که به علت ضعف قدرتش در شرایط فعلی قطر به هیچ طریق ممکن موضع ایران را به آینده تهدیدآمیز (توسعه یکجانبه میدان) ترجیح نمی‌دهد. از طرف دیگر قطر باور دارد که در شرایط فعلی ایران هیچ راهی برای خروج از این بن بست ندارد و نمی‌تواند موضع قطر را قبول نکند.





شکل ۲. بن‌بست مذاکره در شرایط فعلی

نتیجه اینکه در کوتاه‌مدت، با وجود تحریم‌های فعلی حتی اگر ایران بهشت پیمانکاران شود و شرایط قرار دادی خیلی خوبی را پیشنهاد کند، همکاری عملی نیست، زیرا که شرکت‌های نفتی در کشوری که ثبت شرکت کرده‌اند، موظف به تمکین در برابر سیاست‌های کلان آن کشور هستند و در واقع روابط اقتصادی و حقوقی بین کشورها از مناسبات سیاسی آن دو کشور پیروی می‌کند. در بلندمدت نیز تا زمانی که ایران به شرایط بالادستی دست پیدا نکند، امکان مذاکره وجود نخواهد داشت. با تداوم شرایط فعلی تنها در بلندمدت امکان تحقق این امر محتمل است که آن هم با توسعه دائمی فنآوری بعید است ایران با دوری از فنآوری‌های روز دنیا بتواند برای خود مزیت رقابتی ایجاد کند، چرا که شاید فنآوری امروز در پانزده بیست سال آینده توجیه اقتصادی نداشته باشد

با این حال، با توجه به روند متفاوتی که ایران و غرب از خود نشان داده‌اند، خبرگان بر این باورند که تصویر مثبتی که از آینده مذاکرات ایران با گروه پنج به علاوه یک در جهان شکل گرفته است، تأثیر مثبت و مستقیمی در تقویت موضع ایران و پیشروی به سمت مذاکرات ایران و قطر خواهد داشت. بنابراین بر آن شدیم تا با روشن‌ساختن ابعاد این سناریوی قابل دسترس



در آینده نزدیک، میز مذاکره را در آن شرایط بازسازی کنیم، زیرا که سناریوی مذکور محتمل‌ترین سناریویی است که طی آن دو طرف به مذاکره تمایل نشان خواهند داد و شرایط همکاری مهیا خواهد بود (جدول ۳)

جدول ۳ جهت‌دهی‌ها در آینده قابل دسترس جهت مذاکره برای همکاری از نظر خبرگان

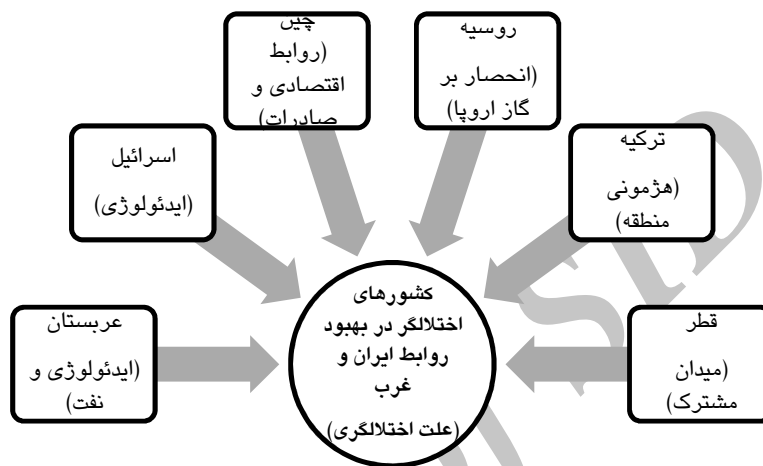
$E_5$	$E_4$	$E_3$	$E_2$	$E_1$	آینده قابل دسترس
*	*				فراهم‌شدن امکان سرمایه‌گذاری شرکت‌های تراز اول نفتی در بخش نفت و گاز ایران
*	*				تحقق اجرای پروژه انتقال گاز ایران به اروپا
*	*	*	*	*	توسعه گازهای غیرمتعارف به وسیله کشورهای واردکننده ال ان جی
	*	*	*	*	کاهش هرچه بیشتر انگیزه توسعه ال ان جی به دلیل کاهش تقاضا و قیمت آن

برای چینش میز مذاکره و تحلیل درست آن، شناخت بازیگران گامی اساسی است. هر بازیگر گزینه‌هایی را می‌تواند اتخاذ کند که ترکیب انتخاب گزینه‌ها، سناریوی آن بازیگر را نشان می‌دهد. همچنین ترجیحاتی که هر بازیگر برای سناریوهای محتمل دارد، منعکس‌کننده اهداف، منافع، علایق و بی‌علاقگی‌های بازیگران است (شکل ۳).

	T	a	E	M	I
<b>The West</b>					
حمایت از ایران و عراق در جهت مهار عربستان، قطر و روسیه	■	◆	■	■	■
حمایت از توسعه ی گازهای غیر متعارف در سطح جهان	■	◆	■	■	■
<b>Europe</b>					
واردات گاز از ایران	■	◆	■	■	■
کاهش واردات گاز از روسیه	■	◆	■	■	■
<b>Major Oil and Gas companies</b>					
سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز ایران	■	◆	■	■	■
<b>Iran</b>					
تداوم مسیر اعتدال در سیاست خارجه و تعامل با جامعه ی جهانی	■	◆	■	■	■
اصلاح موانع داخلی توسعه ی صنعت نفت و گاز	■	◆	■	■	■

شکل ۳ بازیگران اصلی تحقق آینده قابل دسترس مذاکره برای همکاری و گزینه‌های آنها

یکی از دلایلی که توافق ایران با غرب و آمریکا را این قدر سنگین کرده است، ذینفعان متعدد در این قضیه است. بارها مقدمات چنین توافقی حاصل شده است، اما در ادامه به شکست منتهی شده است. وقتی کشوری مثل ایران شرایطی پیدا می‌کند که این شرایط ۳۰-۳۵ سال طول می‌کشد، کم‌کم منافع خیلی از کشورها با شرایط مذکور گره می‌خورند و به همین علت خروج از این شرایط منافع آنها را تهدید می‌کند و ممکن است آنها مانع‌تراشی‌هایی صورت دهند؛ هرچند این اختلالات ممکن است علنی صورت نگیرد (شکل ۴).



شکل ۴. زینفعان اصلی اختلالگر در بهبود روابط ایران و غرب از نظر خبرگان

پس از شناخت بازیگران، گام بعدی تصمیم‌گیری در مورد استراتژی و تاکتیک درست تعامل است. در این گام لازم است طرفین برای خروج از معضلات مبادرت به تحولاتی بنمایند که باعث تغییر در اولویتهای طرفین می‌شود.

در آینده قابل دسترس و با لغو تحریم‌ها، شرکت‌های نفتی شروع به سرمایه‌گذاری در پارس جنوبی خواهند کرد. اروپا برای صادرات گاز از ایران اقدام می‌کند، آمریکا نیز از اقدام اروپا حمایت می‌کند. آینده بسیار خوشبینانه‌ای از ایران پیش روی قطر فراهم می‌شود. از سوی دیگر قطر در حال از دست دادن بازارهای خود است و توسعه جدید اقتصادی نیست.

در شرایط ذکر شده، ایران روند صعودی برداشت از میدان مشترک و دروازه‌های جدید فروش را در پیش روی خود دارد. قطر نیز از یک طرف با کاهش درآمدهای گازی خود از آل ان جی به دلیل کاهش رونق بازار آل ان جی روبه‌روست، از طرف دیگر به علت موقعیت جغرافیایی خاص خود توانایی ورود به بازار خط لوله را ندارد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود در این شرایط تمایل قطر به مذاکره بیشتر از ایران می‌گردد و شکل‌گیری مذاکره محتمل است. این موضوع به

آن علت است که طرفین قدرت نسبتاً برابری پیدا کردند، اما آینده مساعدتری پیش روی ایران است. در این شرایط قطر با نشان دادن حسن نیت پیشنهاد همکاری و هماهنگ کردن برداشت گاز از میدان مشترک را خواهد داد. شرط ایران برای پذیرش این پیشنهاد تعطیل کردن برخی پروژه‌های برداشت از میدان مشترک به وسیله قطر می‌باشد. در این حالت قطر باید بین دو راه یکی را انتخاب کند: اول ادامه روند فعلی خود و تعطیل نکردن هیچ‌کدام از پروژه‌ها و در مقابل ایران هم برداشت خود را زیاده‌تر می‌کند. در شرایطی که قطر بازاری برای توسعه پروژه‌های خود ندارد و هم به میدان مشترک آسیب رسانده می‌شود که برداشت کل قطر را نیز خواهد کاست. دوم اینکه قطر به دلیل برداشت تجمیعی بیشتر نسبت به ایران تعدادی از پروژه‌های خود را (با توجه به تحلیل خبرگان در شرایط ذکر شده) تعطیل می‌کند و ایران هم تعهد می‌نماید که به خاطر این حسن نیت تولید خود را با توجه به نرخ برداشت بهینه گاز از میدان صورت دهد و برداشت دو طرف با تعامل اطلاعات و هماهنگ صورت گیرد تا به مخزن آسیبی نرسد. در این حالت برداشت ایران به سمت پیشی گرفتن از قطر در حرکت است، اما این پیشی گرفتن از طرف قطر کنترل شده است. همچنین قطر درآمد کمتری خواهد داشت، اما از طرف دیگر ایران هم درآمد کمتری خواهد داشت و با توجه به عرضه کمتر گاز به وسیله این دو کشور قیمت‌ها رشد پیدا خواهد کرد که درآمد نهایی را متأثر خواهد کرد (شکل ۵).

	Q	t	I
<b>Qatar</b>			⇒
هماهنگ کردن برداشت گاز از میدان مشترک با ایران	■	◇	■
تعطیلی برخی پروژه‌های برداشت گاز از میدان مشترک	□	◇	■
<b>Iran</b>	→		
حداکثر تولید تا نرخ بهینه برداشت گاز از میدان مشترک	■	◇	■

شکل ۵. میز گزینه‌ها در آینده قابل دسترس و معضلات



با توجه به تحلیل تقابلی مشخص می‌شود که در آینده قابل دسترس ایران با معضلی مواجه نخواهد بود، اما قطر با دو معضل مواجه می‌شود. معضل متقاعدسازی و معضل عدم پذیرش، به عبارت دیگر شرایطی پیش خواهد آمد که قطر به این باور می‌رسد که ایران موضع وی را نخواهد پذیرفت و آینده تهدیدآمیز را اجرایی می‌کند. همچنین ایران به این باور خواهد رسید که قطر از آینده تهدیدآمیز اجتناب می‌کند و موضع ایران را در نهایت خواهد پذیرفت (شکل ۶).

	Q	a	I
Qatar			
هماهنگ کردن برداشت گاز از میدان مشترک با ایران	■	◆	■
تعطیلی برخی پروژه های برداشت گاز از میدان مشترک	■	◆	■
Iran			
حداکثر تولید تا نرخ برداشت بهینه گاز از میدان مشترک	■	◆	■

شکل ۶ میز گزینه‌ها در آینده قابل دسترسی و توافق

به نظر می‌رسد در آینده قابل دسترس در نهایت شرایط همکاری به نحوی که ذکر شد، بین دو طرف اتفاق خواهد افتاد و شرایط برد - برد تحقق پیدا می‌کند. استراتژی‌های مذاکره بستگی به شرایط و چشم‌اندازهای ایران دارد. اگر در حل مسائل مربوط به تحریم‌ها، مدیریت درستی داشته باشیم و چشم‌انداز ایران به‌گونه‌ای باشد که در آینده نزدیک در برداشت از قطر پیشی می‌گیرد، هدف ایران باید مهار قطر و دستیابی به همکاری فنی و تکنیکی باشد. اما اگر با اینکه چشم‌انداز مثبت است، اما امکان جبران عقب‌ماندگی‌های ایران در کوتاه‌مدت فراهم نیست، در آن صورت بهتر است استراتژی شامل فشار به قطر در جهت هماهنگ‌کردن برداشت و بهره‌برداری مشترک باشد.

## ۹. نتیجه‌گیری

چالش برانگیزترین و مشکل‌ترین جنبه تصمیم‌گیری تعیین ماهیت مسئله است. از آنجا که روش‌های ساخت‌دهی مسئله برای حل مسائل چندوجهی و پیچیده طراحی شده‌اند، اغلب مدل‌هایی ارائه می‌کنند که به فرایند تصمیم‌گیری گروهی کمک می‌کند. در این روش‌ها از مدل برای ایجاد ساختار مسئله استفاده می‌شود تا تصمیم‌گیرندگان براساس یک شالوده منسجم و با اعتماد کافی تصمیم‌گیری کنند. تئوری درام و تحلیل تقابلی به‌عنوان یکی از روش‌های ساخت‌دهی مسئله به مطالعه تعارض می‌پردازد. فارغ از شرایط هر تعارض، چالش کلیدی برای تصمیم‌گیران آن است که هیچ کس بر رویدادها کنترل کامل ندارد. تحلیل تقابلی در موضوع میدان مشترک گازی ایران و قطر باعث خواهد شد تا ایران تلاش کند اقدامات ممکن طرف مقابل و سایر بازیگران مؤثر و نیز ابعاد آنها را در نظر بگیرد. ایران همچنین باید بداند که طرف مقابل نیز سعی می‌کند گزینه‌های او را پیش‌بینی کرده و بر آنها تأثیر بگذارد.

خبرگان بر این عقیده‌اند که قدرت فنی، اقتصادی و سیاسی و تعاملات بین‌المللی راهکار ایجاد همکاری در برداشت از این میدان مشترک است.

اگر ایران درصدد است تا بیشترین استفاده را از میادین مشترک داشته باشد، باید پتانسیل فنی، عملیاتی، اقتصادی و تولیدی را در میادین خود بالا ببرد و بدین وسیله پتانسیل سیاسی لازم را به دست آورد.

پیشنیاز توسعه قراردادی و توسعه میدان مشترک، رفع تحریم‌ها و بهبود تعاملات بین‌المللی است. بنابراین ایران در گام اول باید این پیشنیاز را حل کند. خبرگان بر این باورند سیگنال‌ها گویای این است که در شرایط فعلی زمینه برای حل این پیشنیاز هموار و مساعد شده است و ایران می‌تواند با تدبیر این پیشنیاز را مرتفع سازد. رفع تحریم‌ها باعث ورود سرمایه، منابع و فناوری می‌شود که خود نیز درنهایت منجر به افزایش توان فنی، عملیاتی، تولیدی و اقتصادی می‌شود. مجموع این توسعه‌ها درنهایت باعث افزایش قدرت سیاسی ایران خواهد شد. نتیجه اینکه با توسعه میدان مشترک و افزایش تولید ایران، زبان گفتگو پرمغزتر و برنده‌تر خواهد شد؛ چرا که اگر دو طرف منافع خود را در مذاکره و تعاملات ببینند، وارد مذاکره می‌شوند و عدم ورود به مذاکرات منجر به کاهش بهره‌وری آنها خواهد شد.



## ۱۰. پی‌نوشت‌ها

1. Drama Theory
2. Conflict modeling and analysis
3. Fair division techniques
4. Voting procedures
5. Q-Methodology
6. Fraser
7. Hipel
8. Conflict analysis
9. Kilgour
10. Fang
11. Graph Model for Conflict Resolution (GMCR)
12. Metaphor
13. Dilemma
14. Relative preference
15. The Decision to cooperate
16. Flexible order of moves
17. Cardinal preference
18. Utility values
19. Scenarios
20. Soft OR
21. Problem structuring methods
22. Messes
23. Wicked problems
24. Soft systems
25. Metagame
26. Hypergame
27. Soft game theory
28. Competition
29. Conflict
30. Game theory
31. Negotiation
32. Preferences
33. Communication
34. The parties
35. Outcomes
36. Interactions
37. Persuasion Dilemma (Deterrence Dilemma (در نوشته های اولیه
38. Rejection Dilemma (Inducement Dilemma (در نوشته های اولیه
39. Threat dilemma



40. Positioning dilemma
41. Confrontational dilemma
42. Thrust dilemma
43. Cooperation dilemma
44. Collaborational dilemma
45. Chicken game
46. Metagame analysis
47. Qualitative research

#### ۱۱. منابع

- [1] Heshmatzade Mohammad Baqer, Bahador Gholami (2008) "Persian gulf gas: Opportunities and threats", *Energy Economics Review*. Vol. 1, No. 2, pp. 70-94.
- [2] Mir Abbasi Seyed Baqer, Farrokhzad Jahani (2012) "International law and the legal regime governing exploitation of joint oil and gas fields in the persian gulf", *Rahbord*. Vol. 20, No. 61, pp. 91-122.
- [3] Navazeni Bahram, Nojoomi Ehsan (2008) "The legal procedure of extraction from the shared persian gulf hydrocarbon reserves", *Political & Economic Ettela'at*, Vol. 22, No. 247-248, pp.162-172.
- [4] Azar Adel; Khosravani Farzane, Jalali Reza (2013) "Soft management science", Tehran: *Modiriat San'ati*.
- [5] Mingers John (2011) "Soft or comes of age: but not everywhere!", *Omega the International Journal of Management Science*, Vol. 39, No. 6, pp. 729-741.
- [6] Xu H., Kilgour D. M., Hipel K. W., Kemkes G. (2010) "Using matrices to link conflict evolution and resolution in a graph model", *European Journal of Operational Research*, Vol. 207, No. 1, pp. 318-329.
- [7] Liao Shu-Hsien (2008) "Problem structuring methods in military command and control", *Expert Systems with Applications*, Vol. 35, No. 3, pp 645-653.
- [8] Bryant Jim (2007)"Drama theory: Dispelling the myths", *Journal of the Operational Research Society*, Vol. 58, No. 5, pp. 602-613.



- [9] Sycara Katia, Tinglong Dai (2010) "Agent reasoning in negotiation", in D. Marc Kilgour and Colin Eden Eds. *Handbook of Group Decision and Negotiation*. London New York.
- [10] Bryant Jim (2010) "the role of drama theory in negotiation", in D. Marc Kilgour and Colin Eden Eds. *Handbook of Group Decision and Negotiation*. London New York.
- [11] Bennett Peter (1998) "Confrontation Analysis as a Diagnostic Tool", *European Journal of Operational Research*, Vol. 109, No. 2: 465-482.
- [12] Howard Nigel (1994) "Drama theory and its relation to game theory. Part 1: Dramatic resolution vs. rational solution", *Group Decision and Negotiation*, Vol. 3, No. 2: 187-206.
- [13] Levy Jason K., Keith W. Hipel, Howard N. (2009) "Advances in drama theory for managing global hazards and disasters. Part 1: Theoretical foundation", *Group Decision and Negotiation*, Vol. 18, No. 4: 303-316.
- [14] Bennett Peter (2004) "Confrontation analysis: Prediction interpretation or diagnosis", In Bennett, Peter. *Analysing Conflict and its Resolution: Some Mathematical Contributions*, Proceedings of a Conference of the Institute of Mathematics and its Applications. IMA, Southend-on-Sea, pp. 7-17.
- [15] Bryant Jim (1998) "Analyzing collaboration as drama", *Systemic Practice and Action Research*, Vol. 11, No. 4: 403-417. 1998.
- [16] Tait Andrew (1998) "Drama without tears", *Tutorial Papers, 10 th, Operational Research Society*.
- [17] Rosenhead Jonathan, Mingers John (2013) "Soft modeling in management", A. Azar and A. Anvari. Tehran: *Negahe Danesh*. pp. 259-306.
- [18] Bryant Jim (2009) "Dilemma elimination for achieving compliance", In: *Mathematics in defence 2009*, Franborough, Hampshire, 19<sup>th</sup>. November 2009.
- [19] Howard Nigel (1988) "Game-theoretic analyses of love and hate", *Peace &*

Change, Vol. 13, pp. 95-117.

- [20] Bryant Jim (2011) "Conflict evolution: Tracking the middle east conflict with drama theory", *Group Decis negot.*
- [21] Levy Jason K. (2009) "Nuclear non-proliferation and international Security: A drama theoretic approach", *Journal of Systems Science and Systems Engineering*, Vol. 18, No. 4, pp. 437-460.
- [22] Azar Adel, Khosravani Farzane, Jalali Reza (2012) "Drama theory: A problem structuring method in soft OR (a practical application: nuclear negotiation analysis between islamic republic of Iran and the 5+1 group)", *The International Journal of Humanities*, Vol. 19, No. 4, pp. 1-14.